

خدا عزیزی مادرم را شایسته همه چیز از نوار قرآن خواهرم شروع شد

اشاره:

الهام السادات حقیقی
متولد: ۱۳۶۸/۱/۱

کارشناسی مهندسی کشاورزی

- رتبه دوم رشته قرائت قرآن کریم سازمان آموزش و پرورش (سال ۸۰)
- کسب رتبه برتر در چهارمین مرحله از طرح آیه‌های زندگی رادیو قرآن (سال ۸۲)
- کسب رتبه اول رشته حفظ قرآن کریم در سال ۸۳ و رتبه دوم در سال‌های ۸۴، ۸۶ و ۸۷
- مسابقات قرآن و معارف اسلامی دانش آموزان برگزیده استان قم
- کسب مقام دوم رشته حفظ قرآن کریم مسابقات استانی قرآن و عترت سازمان بسیج دانش آموزی سال ۸۲
- مقام اول رشته حفظ قرآن در مقطع پوینده حوزه ۳ بسیج دانش آموزی استان قم در سال‌های ۸۴ و ۸۲ و مقام سوم رشته حفظ قرآن کریم مقطع پیشگام سازمان بسیج دانش آموزی سال ۸۷
- کسب رتبه ممتاز در نهمین جشنواره علمی دانش آموزان ممتاز، مخترع و مبتکر بسیجی سال ۸۴
- کسب عنوان بسیجی نمونه سال ۱۳۸۴ منطقه مقاومت بسیج سپاه قم
- دارای گواهینامه تربیت معلم روخوانی و روانخوانی قرآن کریم با معدل ۱۹/۳۵
- دریافت لوح تقدیر در نشست جهادگران علم و فناوری سپاه علی ابن ابیطالب سال ۸۸
- تندیس افتخار در بیست و پنجمین دوره مسابقات قرآنی دانشگاه‌های منطقه سه کشور سال ۱۳۸۸

خودش را این طور معرفی می کند:

«إني عبدُالله اتاني الكتاب» بنده کوچک خدا هستم که آیات کتابش را به من هدیه کرده است

آرزوی برآورده شده مادر

اول فروردین سال ۱۳۶۸ در قم به دنیا آمدم و هنوز در این شهر زندگی می‌کنم. در خانواده‌ای مذهبی رشد یافتیم. پدرم کارمند انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم و فردی بسیار متدین است که به قرائت قرآن اهتمام ویژه‌ای دارد. مادرم نیز همیشه در جلسات قرآن شرکت می‌کرد و آرزو داشت یکی از فرزندان حافظ قرآن شود. شاید حفظ قرآن در یک سال کار سنگینی باشد، اما قطعاً دعا‌های مادرم و تشویق‌ها و همراهی پدرم سختی‌های این مسیر را برایم آسان‌تر کرد.



یک سال به مدرسه نرفتم

کلاس پنجم بودم که برای اولین بار در مسابقه حفظ ۵۰ آیه اول سوره بقره که بین دانش آموزان ابتدایی استان قم برگزار می‌شد، شرکت کردم و به کسب مقام اول نائل شدم. شاید همین موضوع باعث شد تا در رسیدن به هدفم امیدوارتر شوم و پیشرفت کنم. پس از آن حفظ قرآن را ادامه دادم و تا جزء پنجم حفظ کردم. وقتی کلاس دوم راهنمایی را تمام کردم مطلع شدم در مؤسسه جامعه القرآن الکریم، طرح یک ساله حفظ کل قرآن کریم اجرا می‌شود. با اطلاع از این موضوع در آزمون ورودی این مؤسسه شرکت کرده و با قبولی در این آزمون به مدت یکسال به مدرسه نرفتم و حفظ قرآن را به طور جدی آغاز کردم.

همه چیز از نوار قرآن خواهرم شروع شد

وقتی شش ساله بودم، خواهرم همیشه نوار قرآنی که در آن استاد پرهیزکار آیات ابتدایی سوره بقره را با صدایی دل‌نشین تلاوت می‌نمودند گوش می‌کرد. همین باعث شد تا من به طور ناخودآگاه قسمت‌هایی از این آیات را حفظ شده و با خود تکرار کنم. وقتی مادرم متوجه شد که آیات را از حفظ می‌خوانم خیلی خوشحال شد و تشویق کرد که از ابتدای سوره به طور منظم شروع به حفظ کنم. آن موقع‌ها در هر گوشه و کنار و شبکه‌های تلویزیونی صحبت از یک حافظ خردسال بود. سید محمد حسین طباطبایی که در سن پنج سالگی کل قرآن را حفظ کرده بود. وقتی می‌دیدم یک کودک خردسال توانسته کل قرآن را حفظ کند، علاقه من برای حفظ قرآن کریم بیشتر و بیشتر شد و آرزو می‌کردم من هم مثل ایشان بتوانم حافظ کل قرآن بشوم.

مهمان رهبر بودم

مضامین قرآن چنان بلند است که پس از گذشت چند سال از حفظ قرآن، هنوز هم خود را شایسته این نمی‌دانم که فکر کنم عامل قرآن هستم، ولی سعی می‌کنم تا حد امکان آیاتی را که فقط جزئی از معنای آن را استنباط می‌کنم، در زندگی‌ام به کار گیرم و خدا را شاکرم که در پرتو قرآن در زندگی مشترک‌مان هم، شیرین‌ترین لحظات را با خواندن قرآن سپری می‌کنم. حتی بهترین خاطرات را مدیون قرآن هستم. یکی از آن‌ها دیدارهایی است که به مناسبات مختلف با رهبری داشتیم؛ از جمله زمان اختتامیه مسابقات قرآن که به دیدارشان نائل شدم و در ماه رمضان افطاری مهمان رهبر معظم انقلاب بودم.

بخوان و بالابرو

این فضل و نعمت الهی بود که شامل حالم شد و مرا گام به گام در مسیر حفظ قرآن پیش برد. هر قدر فکر می‌کنم نمی‌توانم بفهمم که چرا حافظ قرآن شده‌ام، جز این که از الطاف بیکران حق تعالی است. جاذبه کلام اوست که باعث شد بعد از اتمام سوره بقره، سوره بعدی را شروع کنم و مرتباً انتظار بکشم که حفظ یک سوره تمام شود و سراغ سوره بعدی بروم، حفظ قرآن برای من در زندگی موفقیت بزرگی است که بدست آورده‌ام. در روایات آمده که هیچ درجه‌ای بالاتر از حفظ قرآن نیست. وقتی حافظ قرآن وارد بهشت می‌شود به او گفته می‌شود بخوان و بالا برو. تعداد درجات بهشت به اندازه آیات قرآن است. بنابراین بالاترین درجه از آن حافظان قرآن است.

امیدم را از دست ندادم

در مرحله اولیه مسابقات حفظ قرآن مقام اول را کسب کردم تا این که به مرحله استانی رسیدم. دو روز پیش از شروع مسابقات دچار سرماخوردگی شدیدی شدم به طوری که صدایم در نمی‌آمد و به سختی صحبت می‌کردم. هرچه قرص و شربت سرماخوردگی در داروخانه‌ها پیدا می‌شد و دوستان و اطرافیانم تجربه داشتند خریدم و خوردم تا بتوانم در این مسابقات شرکت کنم. بالاخره شرکت کردم و مقام دوم را هم کسب کردم و از این بابت خیلی خوشحال شدم، چون با وجود این که مریض بودم امیدم را از دست نداده بودم و با توکل به خدا به هدفم رسیدم.

بابابه

قولش عمل کرد

وقتی آیات کمی از قرآن را حفظ بودم، پدرم به من گفت اگر بتوانی ۳ جزء از قرآن را حفظ کنی، جایزه خوبی به تو می‌دهم. یادم می‌آید که با چه ذوقی قرآن را حفظ می‌کردم و در مدت خیلی کوتاه توانستم ۳ جزء اول قرآن را حفظ کنم. هر روز بعد از نماز صبح بیدار می‌ماندم و با استفاده از ضبط صوت کوچکی که هدیه گرفته بودم چند صفحه از قرآن را حفظ می‌کردم. وقتی ۳ جزء را حفظ کردم، پدرم از من چند آیه قرآن پرسید و وقتی دید که چقدر خوب در این مدت کم توانسته‌ام این کار را انجام دهم به قولش عمل کرد و برایم یک انگشتر خرید.

آمین

در پایان از ایزد منان می‌خواهم که قرآن را در دنیا نزدیک‌ترین دوست ما، در برزخ همدوم و مونس ما، در بهشت بهترین هم‌نشین ما قرار دهد و ما را با قرآن بمیراند و با قرآن محشور کند و با پیامبر و آلش علیهم‌السلام هم‌نشین کند.